

أسماء بنت عمیس

محبوب مهدویان *

أسماء بنت عمیس، در ابتدا همسر جعفر بن ابی طالب بود و همراه او به حبشه مهاجرت کرد. او همسر خود را در سرپرستی مهاجران یاری نمود. اسماء پس از شهادت جعفر در جنگ موته، با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر متولد شد. این بانوی بزرگ، در دوره خلافت ابوبکر، ارتباط نزدیک خود را با خانواده حضرت علی(ع)، به ویژه فاطمه(س)، حفظ کرد. وی، پس از وفات ابوبکر، با حضرت علی(ع) ازدواج نمود و مدتی پس از شهادت او نیز در قید حیات بود. از آنجا که بخشی از شیوه‌های رفتار اجتماعی و خانوادگی حضرت علی(ع) را میتوان با بررسی حیات همسران و فرزندان آن امام بازشناسی کرد، این نوشتار به شرح زندگانی اسماء بنت عمیس پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: جعفر بن ابی طالب، ابوبکر، علی(ع)، اسماء بنت

عمی
س،
عبدالله
بن
جعفر

نسب أسماء بنت عميس

اسماء بنت عميس بن معد بن تيم بن حارث بن كعب بن مالك بن قحافه بن عامر بن

ربيعة بن عامر
بن معاوية بن زيد بن مالك بن نسر¹ شهران بن عفرس² بن وهب الله بن³

، ((خثعم
(خولة)⁵ . است⁴ بنت عوف بن زهير

بن خلف بن أقتل يا أقتل⁶ مادرش نیز، هند⁶

الحارث⁷ . بن⁸
جرش بود بن حماسة

که⁹ أسماء هشت یا نه خواهر از طرف مادر و شش خواهر از طرف پدر و مادر داشت چهارتن از آنان در تاریخ شهرت دارند و رسول خدا (ص) درباره آنها میگوید: أسماء بنت عميس، سلمی، ام الفضل و میمونه، چهار خواهر مومنی هستند که به سبب ای مانشان

و هم چنین أسماء بنت

ابوبکر؛ عميس،
10

دوست همسر
داشته

میشوند جعفر بن

ابي طالب

سلمی بنت عميس، همسر حمزه بن عبدالمطلب؛ لبابه ام الفضل، همسر عباس بن عبدالمطلب؛ و میمونه ام المومنین، همسر نبی اکرم(ص) بود. از این رو، رسول خدا(ص)¹¹ فرمود: هند - جرشیه - مادر أسماء

گرامیترین زنان، از جهت دامادها است.

ازدواج أسماء با جعفر بن ابی طالب

در برخی منابع آمده است که أسماء بنت عمیس، نخست با حمزه بن عبدالمطلب ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام امه الله یا اُمّمة بود. اد بن الهاد در حالی که ¹² وصلت نمود که ثمره¹² او پس از او با شد آن، دو پسر به نامهای عبدالله و عبدالرحمن بود؛ همان منابع، با تردید اد با خواهر¹³ اد ازدواجهای مذکور، این طور آوردهاند: حمزه و شد از این رو به نظر ¹³ أسماء، سلمی بنت عمیس، ازدواج کردهاند نه با أسماء بنت عمیس. میرسد أسماء نخستین بار به همسری جعفر بن ابی طالب درآمد.

ایمان ¹⁴ أسماء بنت عمیس، در مکه و قبل از استقرار رسول ،

خدا (ص) در خانه ارقم
وی با افزایش آزار و اذیت
مشرکان قریش به همراه ¹⁵
آورد و با پیامبر اسلام بیعت
کرد.

همسر خود، جعفر بن ابی طالب، به حبشه مهاجرت کرد.

در حبشه، أسماء بنت عمیس، یاور همسر خود جعفر بن ابی طالب در سرپرستی

سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

مهاجران بود. آنها مورد احترام نجاشی، حاکم حبشه، بودند؛ به طوری که چند روز پس از ولادت عبدالله بن جعفر، نجاشی، پسر نو رسیده خود را به تأسی از جعفر بن ابی طالب، عبدالله نام نهاد و أسماء به آن طفل همراه کودک خود عبدالله شیرداد که همین امر، ¹⁶ منزلت آنان را در نزد نجاشی بالا برد.

با وجود این در خبر ازدواج فاطمه زهرا(س) آمده است که نبی

اکرم(ص) در شب زفاف از زنان خواست خانه فاطمه(س) را ترك کنند. همه به جز أسماء بنت عمیس خانه را ترك کردند. وقتی پیامبر(ص) متوجه حضور أسماء شد فرمود: مگر نگفتم همه بروند؟ أسماء گفت: من نیز خلاف امر تو نخواستم؛ اما در نزدیکی وفات خدیجه (س) دیدم که او گریه میکند. گفتم: تو که سرور زنان عالم و همسر رسول خدا هستی برای چه گریه میکنی؟ گفت: برای دخترم فاطمه میگیریم؛ هر زنی در شب زفاف نیازهایی دارد فاطمه کم سال است، میترسم کسی نباشد نیازهای زنانه او را رفع کند. گفتم: سرورم با شما عهد میکنم اگر من زنده باشم، خواسته تو را برآورده خواهم کرد. پیامبر(ص) از گفته أسماء گریست و ¹⁷گفت: خداوند تو را از شر شیطان محافظت کند

برخی نیز گفتهاند: پیامبر اسلام در شب زفاف فاطمه زهرا(س) وارد خانه او شد، در حالی که زنان در نزد وی نشسته بودند و بین آنها و حضرت علی (ع) پردهای آویزان بود. همه زنان به امر رسول خدا(ص) خانه را ترك کردند، ولی أسماء بنت عمیس امتناع کرد و به پیامبر(ص) گفت: من نگهبان دخترت هستم؛ هر زن جوانی در شب زفاف نیازهایی دارد و کسی باید باشد که در صورت ضرورت، نیازهای او را برآورده سازد. پیامبر(ص) نیز او را ¹⁸دعا کرد و فرمود: از خدا میخواهم از یمین، یسار، پشت سر و رو به رو نگهبان تو باشد. نویسندگان متأخر در درستی روایات مذکور تردید کردهاند؛ گنجی، از نویسندگان قرن

هفتم، میگوید: ازدواج فاطمه(س) بعد از جنگ بدر و در سال دوم هجری بوده؛ در حالی که در این زمان، أسماء بنت عمیس همراه همسر خود، جعفر بن ابی طالب، در حبشه حضور داشته و تاریخ مراجعت آنها سال هفتم هجری بوده است. از این رو نسبت دادن این روایات به اسماء بنت عمیس؛ صحیح نیست و فرد مذکور، اسماء بنت یزید انصاری بوده ¹⁹ است که شهر بن حوشب و دیگران به واسطه او، احادیثی از پیامبر(ص) نقل کردهاند

استنباط گنجي که شخص مورد بحث، أسماء بنت یزید بوده، نمی تواند صحیح باشد؛ زیرا نگرانی خدیجه(س) در خصوص دخترش، فاطمه زهرا(س)، مهمترین دلیل برای حضور أسماء در شب زفاف فاطمه(س) ذکر شده است؛ در حالی که أسماء بنت یزید از انصار، یعنی اهل مدینه، بوده است و بعید به نظر می رسد که در رحلت خدیجه(س) در مکه حاضر بوده و مهمتر از آن، خدیجه(س)، نگرانی خود را با او در میان گذاشته باشد. با توجه به مطالب مذکور درباره حضور أسماء بنت عمیس در شب عروسی فاطمه زهرا(س)، دو احتمال زیر قابل تصور است:

اول این که أسماء بنت عمیس در سال دوم هجری به مدینه آمده و در مراسم عروسی نیز شرکت کرده است. قبول این امر مستلزم بررسی بحث کلی ارتباط مسلمانان مهاجر به حبشه، با مدینه است. همان گونه که پیش از این گفتیم عده‌ای از مسلمانان به سبب آزار قریش، در سال پنجم بعثت به حبشه هجرت کردند و تا سال هفتم هجری در همان جا ماندند. علت این که آنان، علیرغم تثبیت موقعیت پیامبر اسلام(ص)، این مدت طولانی را در حبشه باقی ماندند، نیاز به بحث مفصل دارد که در این مقال نمیگنجد، اما سؤال این است که در این مدت، ارتباط آنان با مدینه چگونه بود؟ آیا رفت و آمدی صورت می گرفت یا نه؟ با در نظر گرفتن موقعیت مکانی حبشه، از آن جا که اعراب به سفرهای سالیانه به حبشه، ایران، شام و یمن عادت داشتند و با توجه به این که مدینه از نظر مکانی بالاتر از مکه و نزدیک دریا بود، و در این مسیر، خطر چندی مسلمانان را تهدید نمی کرد، احتمال رفت و آمد بسیار زیاد بوده است. از این رو، به نظر میرسد أسماء و همسرش گاه گاهی به مدینه میآمدند؛ ولی چون آنان سرپرستی مهاجران را نیز بر عهده داشتند، لاجرم دوباره به حبشه باز میگشتند. البته به جز گزارشهای مذکور، روایات دیگری نیز هست که در مقاطع بعدی، حضور أسماء را در مدینه تأیید میکند؛ برای مثال، ابن بابویه از أسماء بنت بعضی از اولاد فاطمه زهراء (س) ؛ در 20 حاضر بودم عمیس نقل میکند که من در ولادت

حالي که تمام فرزندان فاطمه(س) قبل از سال هفتم متولد شده‌اند. هم چنین از علي بن حسين(ع) نقل شده است که اُسماء بنت عمیس مرا گفت: در تولد حسن و حسین، من به عنوان قابله در نزد جدت فاطمه، بنت رسول خدا(ص) بودم. هنگامی که حسن متولد شد،

سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

نبي اکرم(ص) فرمود: اي اُسماء فرزندانم را بياور؛ پس او را در پارچه زرد پیچیده، به او دادم. پیامبر(ص) پارچه زرد را باز کرد و فرمود: مگر با شما عهد نکردم که نوزاد را در پارچه زرد نپیچید. ایشان پارچه‌های سفید خواست و به دور بچه پیچید و... هم چنین گفت: چون حسین متولد شد پیامبر(ص) آمد و فرمود: اي اُسماء فرزندانم را به من بده [من هم] نوزاد را در پارچه‌های سفید به او دادم.²¹

از حضرت علي(ع) نیز نقل شده است که چون ولادت حسن نزدیک شد رسول خدا(ص) به اُسماء بنت عمیس و ام سلمه فرمود که در آن جا حاضر شوند و بانگ در ²² گوش راست و اقامه در گوش چپ او بگویند. از آنجا که ولادت حسنین(ع) در سالهای سوم و چهارم روی داد، اگر روایات مذکور صحیح باشد، اُسماء بایستی در آن سالها در مدینه حضور داشته باشد.

احتمال دوم این که بپذیریم راویان یا نویسندگان و یا نساخان، در نقل روایات دچار اشتباه شده‌اند و بنت عمیس را به جای شخص دیگری ثبت کرده‌اند. همان گونه که اربلی، از نویسندگان قرن هفتم هجری، میگوید: اُسماء بنت عمیس در زفاف فاطمه(س) حاضر نبود، ولی خواهرش سلمی بنت عمیس، همسر حمزة بن عبدالمطلب، حاضر بود. از این رو شاید روایت مذکور از او باشد، ولی چون به دلیل مشهورتر بودن اُسماء یا در اثر سهو، از او روایت کرده، دیگران از آن متابعت کرده باشند.²³

به هر حال اُسماء بنت عمیس، تا سال هفتم همراه همسر خود در حبشه

بود . وي، در اين سال همراه ديگر مهاجران راهي مدينه شد. رسول خدا(ص) از مراجعت آنان بسيار شادمان شد و فرمود: به خدا قسم نميدانم به کدام يك از اين دو پيش آمد خوشحالترم؛

به فتح خيبر يا رسيدن جعفر²⁵ و بهرهاي از غنايم خيبر ،

را براي آنان قرار داد.²⁴

پس از بازگشت مهاجران، هنگامي که عمر بن خطاب، به أسماء بنت عميس گفت : ما در هجرت بر شما سبقت گرفتيم و در نزديكي به پيامبر اولي تر از شما هستيم، أسماء پاسخ داد: به خدا قسم چنين نيست؛ شما با پيامبر(ص) بوديد؛ او گرسنگان شما را غذا ميداد و جاهلان شما را وعظ ميكرد؛ در حالي که ما براي رضاي خدا و رسولش در سرزميني دور

أسماء بنت عميس

بوديم. خدا را گواه ميگيرم که هيچ غذايي نميخورديم و هيچ نوشيدني تناول نميكرديم، مگر با ياد سخنان رسول خدا(ص). چون نبي اکرم(ص) آمد، أسماء گفت: يا رسول الله، عمر چنين و چنان ميگويد. پيامبر(ص) فرمود: او مستحقتر از شما بر من نيست، براي او

و يارانش يك هجرت است، اما براي شما اي اهل سفينه دو هجرت؛

هجرت به

نجاشي و

هجرت به

من.²⁶

يك سال پس از مراجعت مهاجران حبشه، جعفر بن ابي طالب - همسر أسماء بنت

جنگ موته بود. هنگامي که او فرمانده سپاه مسلمانان در

عمیس - به شهادت رسید

رسول خدا(ص) از شهادت جعفر آگاه شد به خانه وی آمد و به اُسماء فرمود : فرزندان جعفر کجایند؟ اُسماء بنت عمیس میگوید که من در صبح آن روز تعدادی پوست دباغی کرده، مقداری خمیر ساخته و صورت بچه‌هایم را شسته و بر آنان روغن مالیده بودم که رسول خدا(ص) بر من وارد شد و فرزندانم را بر سینه خود فشرد و آنان را بویید و بوسید سپس اشک از چشمانش جاری شد. گفتم: یا رسول الله از جعفر خبری رسیده است؟ آن حضرت فرمود: آری، جعفر کشته شده است، من فریادی زدم و زنان دور من جمع شدند

پیامبر(ص) فرمود: ای اُسماء بر سر و روی خود نزن و کلمات ناهنجار نگو. در این هنگام فاطمه زهرا(س) در حالی که بر عموی خود میگریست، وارد شد. آن گاه نبی اکرم(ص) فرمود: بر همچو جعفر باید بسیار گریست و به اهل خانه خطاب کرد: برای آل جعفر طعام بسازید و آنان را مشغول کنید و طبق روایتی دیگر فرمود : از آل جعفر غافل نشوید؛ آنان را ²⁸ مشغول دارید

فرزندان اُسماء بنت عمیس از جعفر بن ابی طالب

طالب از اُسماء بنت عمیس و

متولد حبشه بودند

سه

همة فرزندان جعفر بن ابی ²⁹

پسر به نامهای برخی نیز پسری

عبدالله، محمد و دیگر به نام

عون حمزه یا حمید

برای ³⁰

البته عمری (د: 490 هـ) اسامی ³¹ آنان ذکر کرده‌اند که در

ك

و

د

ك

ي

و

ف

ا
ت
ي
ا
ف
ت
ه
ا
س
ت
ف
ر
ز
ن
د
ا
ن
ج
ع
ف
ر
ب
ن
ا
ب
ي
ط
ا
ل
ب
ر

ص
غ
ر
ح
م
ي
-
ا
ع
ب
د
ا
ا
ل
ل
ه
،
ع
و
ن
،
م
ح
م
د
،
م
ح
م
د
ا
ص

سپين سار هفتم، پاييز، 1385 شماره مسلسل 27

ولي منابع معتبر قبل از عمري و حتي بعد از او كه از ³² اصغر و
عبيدالله ذكر كرده است
فرزندان جعفر بن ابي طالب نام برده‌اند، از محمد اصغر، حسين، عبدالله
اصغر و
عبيدالله
ياد
نكرده‌اند
.

عبداللہ بن جعفر بن ابی طالب

عبداللہ بن جعفر، بزرگترین فرزند جعفر بن ابی طالب بود. او در زمان اقامت والدین عبداللہ بن جعفر نخستین مولود مسلمانان در حبشه³³ خود در حبشه، در آنجا متولد شد.

نقل شده است کہ وی در زمان رحلت رسول خدا (ص) ده

سا

له

بو

د.

بنا

به

قو

لي

34

بو

د.

. از هجرت رخ داده است کنیة وی، ابوجعفر بوده دیگر، تاریخ ولادتش سه سال قبل³⁵

عبدالله بن جعفر³⁷ اما برخي وي را با کنیه ابومحمد و

ابوهاشم نیز یاد کرده‌اند.³⁶ است، علاوه بر پیامبر(ص)، مادرش أسماء بنت عمیس و عموي خود حضرت علي (ع)، از ابوبکر، عثمان و عمار، یاسر نیز روایتهایی نقل کرده است. هم چنین فرزندانش: اسماعیل اسحاق، معاویه، محمد بن علي بن حسین، قاسم بن محمد، عروه بن زبیر و شعبي، از او³⁸ روایت نقل کرده‌اند.

عبدالله بن جعفر در سال هفتم هجری همراه والدین خود به مدینه آمد و در سال هشتم، پدر خود را از دست داد. در روز شهادت جعفر، پیامبر(ص) به خانه آنها آمده، دستان خود را بر سر فرزندان جعفر حلقه کرد و گریست سپس فرمود: عبدالله در خلقت و خصلت شبیه من است، $\text{وَ نِیکو قرار ده و به بیع عبدالله برکت}$ اُپروردگار برای جعفر ذری عطا کن و

و آخرت ولي شما هستم. هم چنین عبدالله میگوید: خطاب به آنان فرمود: من در دنیا³⁹

پیامبر(ص) من و برادرم را به خانه خود برد. سلمی، خادم پیامبر(ص) برای ما مقداری جو آرد کرد و با روغن زیتون پخت و همراه فلفل به (ماداد و ما سه روز در خانه پیامبر(ص)

به خانه یکی از زنان او هم چنین نقل شده است
می رفتیم که⁴⁰

بودیم و هر شب با وي

روزي پیامبر(ص) عبدالله را دید که با گل چیزی درست میکند و بدو فرمود: برای چه چنین میکنی؟ عبدالله گفت: چیزی درست میکنم و -مفروشم و با پول آن خرما می

خداوندا به بیع عبدالله برکت عطا

بعد من چیزی نخریدم، مگر در آن عبدالله بن
. سود بردم کن. گوید عبدالله می: از آن به⁴¹

جعفر به سبب موقعیت خاص خانوادگی، مهاجرت والدینش به حبشه و
شهادت پدرش در جنگ موته، از همان نوجوانی مورد احترام بوده
است. حضرت علی(ع) به دلیل علاقه فراوانش به فرزندان برادرش،
جعفر، عبدالله را به دیده فرزندان خود می نگریست و حتی آن حضرت،

دختر خود، زینب کبری(س) را⁴² عبدالله را در ردیف فرزندان خود
یاد میکرد. به ازدواج او درآورد. عبدالله در دوره خلافت علی(ع)، از
یاران و سرداران جنگی و مشاوران مورد اعتماد او بود؛ به گونهای که
امام(ع) میمنه پیادگان سپاه خود را در جنگ صفین به او

نظامی، عبدالله
امین و بن
کاتب جعفر
حضر ضمن
ت⁴³ فعالیتها
بپردازد ای
سیاسی
و

وی، پس از شهادت امیرمؤمنان (ع) نیز حامی امام حسن و امام⁴⁴
علی(ع) نیز بود
حسین(ع) بود

عبدالله بن جعفر در میان مردم نیز از احترام بسیاری برخوردار بود
. و به جود و و او را⁴⁵ بخشندگی شهرت داشت. بسیاری از منابع او
را به حلم و کرم و بخشش ستوده اند از کثرت بخشش، «جواد» و «و
بحرالجود» لقب داده اند. او درباره نیکی و بخشش میگفت: من تعجب
میکم از کسی که با پول خود بندهای میخرد، ولی با کار نیک خود
مردان

آزاد را بنده خود نمیکند⁴⁶ تاریخ وفات عبدالله، به اختلاف،
سالهاي 80، 84، 85 و 87

ه و سن او در هنگام وفات، 67، 80 و 90⁴⁷

9

2

.

ذ

ك

ر

ش

د

ه

ا

س

ت

عون بن جعفر

عون فرزند دیگر جعفر بن ابی طالب و اُسماء بنت عمیس نیز در حبشه متولد شد و در سال هفتم هجری، پس از جنگ خیبر، با والدین خود به مدینه آمد و يك سال بعد، پدرش جعفر در جنگ موته به شهادت رسید. نقل شده است که پیامبر اسلام(ص)، پس از آگاهی از شهادت جعفر، به خانه او رفت و فرزندانش را بویید و بوسه بر رخسار آنان زد و گریست و پس از اعلام خبر شهادت جعفر، آنان را نوازش کرد و درباره عون گفت: عون در خلقت

پایان سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

سایر

عون همانند

برادرانش،

و خلق و
خوي شبيه من مورد توجه و
است.
علاقه 48

عمویش، حضرت علي(ع) بود. انتخاب او به دامادي خود نمونهاي از علاقه
فراوان وي به

فرزندان جعفر بود. آن حضرت، عون را به همسري دختر خود،⁴⁹

ام كلثوم، برگزيد . در

كتابه‌اي رجال، عون در زمره ياران حضرت علي(ع) و راويان حديث⁵⁰
او ذكر شده است.

عون بن جعفر در واقعه برخي نيز گمان⁵² يا در
تستر جنگ صفين كشته شد؛

51

كرده‌اند كه وي در سال 61 هـ همراه پسر عموي خود، حسين بن علي

(ع)، در

كربلا به⁵³

شهادت رسيد.

محمد بن جعفر

بنت⁵⁴

فرزند ديگر
محمد كه كنيتهاش
جعفر بن ابي
، ابوالقاسم مي‌باشد
طالب و أسماء

عميس است. او نيز در حبشه چشم به جهان گشود و در سال هفتم
هجري، همراه پدر و مادرش حبشه را به قصد مدينه ترك كرد. در سال
هشتم هجري، پس از شهادت پدرش در جنگ موته، پيامبر اكرم(ص)
از أسماء و فرزندانش دلجوئي كرد و در حق محمد بن

محمد از صحابه رسول خدا(ص) و از⁵⁵ جعفر فرمود: محمد، شبيه

عموي ما ابوطالب

است.⁵⁶ راويان

حديث او بود.

محمد بن جعفر پس از وفات برادرش عون، با همسر او، ام كلثوم،

دختر علي (ع)، او از ياران

عمویش، امام علي(ع) و از افراد مورد

اعتماد او بود؛ به گونه اي ⁵⁷ ازدواج کرد.

که وقتی علي(ع) براي مقابله با مخالفان به سمت بصره حرکت کرد، ضمن توقف در ربه، محمد بن جعفر بن ابي طالب و محمد بن ابي بکر را روانه کوفه کرد تا به نمایندگي از امام(ع) نامه‌اي که با جمله «فحسبي بکم اخواناً و للدين انصاراً» آغاز و به آیه «انفروا خفافاً و ثقلاً و جاهدوا بأموالکم و أنفسکم في سبيل الله ذلکم خير لکم ان کنتم ابلاغ کنند و آنان را به همراهي «تعلمون» ⁵⁸ آن حضرت ⁵⁹ ختم میشد، به مردم کوفه

تشويق نمايند. منابع، درباره ورود آنان به کوفه و عدم همراهي ابوموسي اشعري، حاکم ⁶⁰ وقت کوفه، به تفصيل گزارش کرده‌اند.

أسماء بنت عميس

با استقرار حضرت علي(ع) در کوفه، مرکز جديد خلافت، محمد بن جعفر همراه همسر خود ام کلثوم کبري، در کوفه اقامت گزيد. او در جنگ با مخالفان، يکي از سوارکاران و جنگجويان سپاه اميرمؤمنان(ع) بود و در ميدان جنگ نيز کشته شد. در کيفيت کشته شدن محمد گفته‌اند که در جنگ صفين، عبيدالله بن عمر بن خطاب، در حالي که پرچم معروف خضرا را همراه داشت، از سپاه معاويه بيرون آمد و محمد بن جعفر بن ابي طالب که پرچم معروف به جموح را با خود داشت، به مقابله با وي شتافت. بين آن دو و سپاهيانشان که در حدود ده هزار نفر بودند، جنگ سختي درگرفت. سرانجام آن دو به

جنگ تن به تن روی آوردند و سپاهیان‌شان به حمایت امیر خود وارد جنگ شدند و در مدت کوتاهی تعداد زیادی کشته شدند. در این هنگام حضرت علی(ع)، خود را به میدان جنگ رسانید و دستور داد تا کشتگان را کنار زدند و جسد محمد بن جعفر و عبیدالله بن عمر، در حالی که دست

در گردن يك دیگر داشتند، ظاهر شد. امیرالمومنین با دیدن آنان فرمود: به خدا قسم! این دست به گردن انداختن شما از سر دوستی نبوده است.⁶¹

بر طبق قول دیگر، محمد بن جعفر، در سال هفدهم هجری در واقعه تستر کشته

اما به دلایل 63

همین طور برخی نیز گفته‌اند که او در واقعه کربلا به شهادت رسید.⁶² شد

زیر بعید به نظر می‌رسد که محمد بن جعفر، در واقعه تستر یا کربلا کشته شده باشد؛ چرا که اولاً، در منابع آمده است که محمد بن جعفر پس از کشته شدن عمر بن خطاب و عون

پیشتر گفتیم ؛ در حالی که منابع، اخبار واقعه تستر در مربوط به 65 سال هفده در زمان عمر هجری و 64 اتفاق افتاده بن جعفر، با ام است؛ کلثوم کبری ازدواج کرد ثانیاً، چنان که

همراهی و همکاری محمد بن جعفر با حضرت علی(ع) در جنگ با مخالفان وی و کیفیت

، به تفصیل بیان کرده اند و ثالثاً، هیچ کدام از منابع مهم کشته شدنش را در جنگ صفین⁶⁶

چون مقتل الحسین، مقاتل الطالبی نی، تاریخ طبری، المعارف، مناقب آل ابی طالب، کفایة الطالب و ... که برخی، درباره واقعه کربلا و شهدای آن به تفصیل سخن گفته اند، در میان شهداء کربلا اسمی از محمد بن جعفر، نبرده اند. در صورتی که محمد در جوانی و در خلافت عمویش،

شخصیتی مهم بوده است و حتی به روایتی به دستور عمویش، برای

پاییز، هفتم، سال 1385 شماره مسلسل 27

بنابراین، اگر در واقعه کربلا⁶⁷ تشویق مردم به پیوستن به سپاه، به کوفه فرستاده شد،

حضور داشت، یقیناً یکی از افراد برجسته سپاه حسین بن علی (ع) محسوب و اخبار مربوط به او در کتابهای مقتل به تفصیل ذکر میشد. از این رو به نظر میرسد که گزارش کشته شدن محمد بن جعفر در جنگ صفین صحیحتر باشد. محمد بن جعفر، همانند برادر خود عون، فرزندی از ام کلثوم نداشت و نسلی از او باقی نماند.

ازدواج أسماء بنت عمیس با ابوبکر

گزارش⁶⁸ أسماء بنت عمیس پس از شهادت جعفر بن ابی طالب با ابوبکر وصلت کرد. شده است که ابوبکر در سال هشتم، در زمان وقوع غزوه حنین، أسماء را به ازدواج خود خانه ابوبکر در بیرون مدینه در سنج، محل سکونت زن اولش، حبیبه بنت خارجه،⁶⁹ درآورد بود. او خانهای نیز در مدینه داشت که أسماء بنت عمیس در آن ساکن شد و ابوبکر چون

دارد⁷⁰ آن چه در این
به خلافت رسید
در مدینه منزل برهه از تاریخ
گزید.
أسماء ا همیت

ارتباط او با خانواده حضرت علی(ع) است. با توجه به اختلافی که در سقیفه در امر جانشینی پیامبر اسلام(ص) پیش آمد ابوبکر، و عمر و اطرافیان آنها در يك طرف، و حضرت علی(ع) و بنیهاشم، در طرف دیگر قرار گرفتند. أسماء بنت عمیس نیز از يك سو همسر ابوبکر

بود و از سوي ديگر، از ناحية همسر سابقش، جعفر بن ابی طالب، با علي (ع) خویشاوند بود و نیز علاقه فراواني به خانواده او داشت. از این رو، وي در بحرانیترین شرایط، رابطه خود را با خانواده حضرت علي(ع) حفظ کرد. گزارشهایی که در منابع تاریخی از ارتباط او با حضرت فاطمه(س) نقل شده، گواه این امر است. در دوره بیماری حضرت فاطمه زهرا(س)، أسماء بنت عمیس، رازدار او بود و نیازهای او را برآورده میکرد. هنگامی که مریضی ایشان شدت یافت روبه أسماء کرد و گفت: من خوش ندارم آن چه هنگام وفات زنان میکنند [یعنی در حالی که] او پوششی جز تکه پارچهای ندارد، بر سریری نهند و مردم در این حال او را نظاره کنند. أسماء گفت: اگر بخواهی چیزی که در حبشه دیدم، برای تو بسازم، پس اسماء کسی را فرستاد که چند

أسماء بنت عمیس

شاخه خرما آورد و آنها را بر روی سریر نهاد و پارچه ای بر روی آن انداخت و تابوتی درست کرد. فاطمه(س) چون آن را دید، تبسمی کرد؛ در حالی که از وفات پدرش کسی خنده بر لبان او ندیده بود و به روایتی گفت: نیکو وسیلهای است که با آن مرد و زن از هم

این⁷¹ شناخته میشوند. نقل شده که این نخستین تابوتی بود که در

اسلام درست شد. ⁷² روایت با اختلاف

اندکی در اکثر منابع ذکر شده است.

همچنین از أسماء بنت عمیس روایت کرده‌اند که فاطمه دختر پیامبر اسلام(ص) به من

از 73

وصیت کرد و گفت: تو و علي مرا غسل دهید و به کسی اجازه ندهد بر من وارد شود.

اینرو هنگامی که حضرت فاطمه(س) وفات کرد، عایشه خواست بر او وارد شود. اَسْمَاء اجازه ورود به او نداد. عایشه شکایت به ابوبکر برد و گفت: این خثعمیه مانع ما و دختر رسول خدا(ص) شده و برای او چیزی مثل هودج عروس ساخته است. ابوبکر در خانه آمد و گفت: این چه کاری است که میکنی، زنان پیامبر(ص) را مانع از ورود آنان بر دخترش میشوی و برای او چیزی مثل هودج عروس میسازی. اَسْمَاء گفت: خود فاطمه(س) مرا

چنین گفته است که مانع از ورود زنان پیامبر(ص) و غیر آنان بر او شوم و این را که میبینی، وقتی زنده بود مرا به ساختن آن دستور داد.

ابوبکر نیز گفت: همان کن که او گزارشهای مذکور، اعتبار و برجستگی

شخصیت اَسْمَاء بنت عمیس را نشان⁷⁴ گفته است
میدهد.

با وصیت خود او،⁷⁵ ابوبکر در سال سیزده هجری در 63 سالگی در مدینه وفات کرد.

اَسْمَاء بنت عمیس وی را غسل داد و عمر بن خطاب بر⁷⁶ وی نماز گزارد. حاصل ازدواج ابوبکر و اَسْمَاء بنت عمیس، محمد بن ابی بکر بود. او در سال دهم

هجری در حجة الوداع
متولد و در خانه حضرت

علی(ع) بزرگ شد و به

منزله فرزندی⁷⁷

برای او بود؛ همان گونه که محمد نیز او را به مثابه پدر خود می شناخت و برای هیچ کس فضیلتی چون او قائل نبود. برای همین،

علی(ع) میفرمود: محمد پسر من از صلب ابوبکر محمد بن ابی بکر در

جنگهای حضرت علی(ع) بر ضد مخالفانش، او را همراهی⁷⁸ است

کرد؛ به ویژه در جنگ جمل که امیرمؤمنان(ع) را بر خواهرش،

عایشه،

ترجیح داد و

در سپاه او
جنگید. پس
از آن نیز با
عزل قیس بن
سعد از
حکومت
مصر، با
پیشنهاد برادر
خود،

پنج‌اسم سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

ولي محمد بن ابی بکر در مصر از سپاه⁷⁹ عبدالله بن جعفر، به حکومت
مصر انتخاب شد

عمرو بن عاص شکست خورد. دشمنان با نهایت قساوت او را به

شهادت رساندند و خبر آن واقعه،

برای مادرش أسماء چنان⁸⁰ جسدش
را در پوست الاغ نهاده، و آتش زدند

دردناک بود که به نمازخانه خود رفت و از شدت خشم از سینه هایش⁸¹
خون فوران کرد. ⁸²علي(ع) نیز درباره او فرمود: او برای من
فرزندی بود و برای فرزندانم برادری

(ازدواج أسماء بنت عمیس با حضرت علي(ع)

علي(ع) أسماء را به ازدواج خود
درآورد

و سرپرستی او و⁸³

پس از وفات ابوبکر، حضرت

فرزندانش را مستقیماً به عهده گرفت و چنان که قبلاً ذکر شد، عبد الله،

محمد و عون، فرزندان جعفر بن ابی طالب، و محمد، فرزند ابوبکر،

اشخاص برجسته ای بودند که در سایه سار حضرت علي(ع) تربیت

شدند و در همه حال به او وفادار ماندند . علي(ع) مانند دو همسر قبلي أسماء بنت عميس، قبل از او وفات يافت؛ گر چه بر طبق برخي نقل ها أسماء بنت عميس هم در حدود سال چهل هجري، يعني همان سال شهادت امام علي (ع) وفات برخي ديگر به جز يحيي، پسري به

نام⁸⁵ حاصل ازدواج آنها يحيي بن علي بود.⁸⁴ يافت

عون را نيز در بعضي نيز فرزندان
شمار فرزندان آنها آنها را عثمان
ذکر کرده‌اند اصغر و⁸⁶

ثبت کرده‌اند.⁸⁷ و گروهی محمد
يحيي نوشته‌اند
قول اخير را
طبري از⁸⁸
اصغر و يحيي

هشام کلبی نقل کرده است و منابع دیگر اسمي از محمد اصغر و هم چنین عثمان اصغر در شمار فرزندان آنان نیاورده‌اند. به نظر میرسد عون مذکور نیز با عون پسر أسماء از جعفر بن ابی طالب و یا عون پسر عبدالله بن جعفر در آمیخته شده و اشتباهاً به نام فرزند حضرت علي(ع) ذکر شده است. از این رو، تنها کسی که منابع در خصوص آن، هم داستانند، يحيي بن علي است. يحيي در زمان پدرش حضرت علي(ع) وفات يافت و از او⁸⁹ نسلي باقي نماند

موقعیت اجتماعي أسماء بنت عميس

أسماء بنت عميس از زنان برجسته صدر اسلام است؛ زني فعال و جسور که در بسياري

أسماء بنت عميس

از حوادث صدر اسلام شرکت داشت. او جزء مسلمانان نخستين بود که با پيامبر وي

در حبشه یاور
همسرش جعفر بن
ابی طالب در
سرپرستی⁹⁰
اسلام(ص) بیعت
کرد.

مهاجران بود و گویا کوششهایی نیز برای تبلیغ اسلام در آن سرزمین
میکرد؛ به طوری که گفته شده است که هر کسی در حبشه مسلمان می
شد، روی به اُسماء بنت عمیس

میاورد و سپس
خبر اسلام او پخش اُسماء و همسرش
میشد.
به اندازهای در

حبشه 91

شناخته شده بودند که چون فرزندی برای نجاشی متولد شد، اُسماء بنت
عمیس او را در⁹²
کنار کودک خود شیر
داد.

اُسماء در مدینه نیز از افراد شناخته شده بود. مکالمه منسوب به او در شب
زفاف فاطمه

(مهاجرت،⁹³ دختر پیامبر(ص)⁹⁴

و مفاخره او با عمر بن خطاب در
بازگشت از حبشه، درباره

نشانه شخصیت برجسته اُسماء بنت عمیس است. حضور او در
عروسی فاطمه دختر پیامبر(ص) در سال دوم هجری مورد تردید
میباشد، ولی همین که روایتی به نام او ثبت شده، نشانه معروف بودن
او در آن برهه زمانی است. مؤلفان شیعه و سنی، وی را از صحابه
پیامبر(ص) و راوی حدیث او ذکر کردهاند؛ به گونهای که افراد
معروفی، چون عمر بن خطاب؛ عبدالله بن عباس؛ ابوموسی اشعری؛
عبدالله بن جعفر؛ قاسم بن محمد؛ پسر خواهرش، عبدالله بن شداد؛
عروة بن زبیر و ابن مصیب، از او حدیث نقل کردهاند.⁹⁵

نزدیکی اُسماء بنت عمیس به خانواده پیامبر(ص) نیز باعث بالا رفتن
اعتبار اجتماعی او⁹⁶ شده بود. هنگامی که ام کلثوم، دختر رسول

خدا(ص)، وفات یافت، اُسماء او را غسل داد. همچنین از آنجا که در وفات پیامبر اسلام(ص) اختلاف پیش آمد، بعضی گفتند آن حضرت وفات کرده است و بعضی منکر وفات او شدند، اُسماء در حالی که دست های خود را بر دو کتف خود نهاده بود، گفت: رسول خدا(ص) وفات کرد و خاتم را از بین دو کتفش⁹⁷ خارج کرد. ارتباط او با خانواده حضرت علی(ع)، به ویژه فاطمه بنت نبی اکرم(ص)، در حالی که او همسر ابوبکر بود، نمود دیگری از مناسبات اجتماعی او محسوب می شود. این واقعه تاریخی است که فاطمه زهرا(س) در قبال ابوبکر و اطرافیان، به سبب عملکرد آنان برای به دست گرفتن قدرت سیاسی، بدون توجه به اهل بیت پیامبر(ص) و حتی

سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

بدون مشورت با آنان رفتار بسیار صریح و قاطعی در پیش گرفت، تا آن جا که در وصیت با در نظر گرفتن⁹⁸ خود، به کسی اجازه حضور در مراسم غسل و تشییع جنازه اش را نداد. موارد فوق، رفت و آمد اُسماء بنت عمیس به خانه حضرت علی(ع) و وصیت فاطمه زهرا(س) به او با اهمیت تلقی می گردد و میزان اعتبار او در نزد خانواده علی(ع) و اعتماد ایشان به او نمایان می شود. اُسماء بنت عمیس نیز با وفاداری و جسارت خاص خود، خواسته های فاطمه زهرا(س) را برآورده ساخت و حتی از ورود عایشه، دختر خلیفه، به

نشان می دهد چنین گزارش هایی جایگاه اجتماعی

خاص زنان را در صدر

خانهاش جلوگیری کرد. اسلام⁹⁹

اُسماء بنت عمیس مورد احترام همسر خود ابوبکر و هم چنین عمر بن

خطاب بود. و در حالی که اُسماء وی را

¹⁰⁰ ابوبکر قبل از وفات وصیت کرد که اُسماء

او را غسل کند

عمر بن خطاب¹⁰¹ گرفته بود روی به مردم نهاد و جانشینی عمر بن خطاب را اعلام کرد. هم هنگامی که به خلافت رسید، برای اُسماء بنت عمیس، مانند دیگر زنان مهاجر، دو با این که عمر، خود از اصحاب نزدیک¹⁰² هزار درهم و به روایتی هزار درهم مقرر کرد.

که این خود مؤید اعتماد¹⁰³ پیامبر(ص) بود، از اُسماء بنت عمیس حدیث نقل میکرد

عمومی به اُسماء بنت عمیس است. هم چنین گاهی عمر با اُسماء بنت عمیس مشورت میکرد. از عمر نقل شده است: در خواب دیدم که گویی

خروسی دو منقار بر من زد. خواب از آن چه گفته شد¹⁰⁴ خود را به اُسماء گفتم، اُسماء گفت: مردی عجم تو را خواهد کشت. برمیآید که اُسماء بنت عمیس از زنان ممتاز و مورد اعتماد صدر اسلام است که مورد احترام بوده است و مردم عادی، علما و خلفا به روایات او اطمینان داشتند.

اُسماء بنت عمیس

پینوشته‌ها

1. ابوالفرج به جای زید، سعد نوشته است.
2. این شخص را با اختلاف نسر، بشر، بشیر و نسور ثبت کرده‌اند.
3. عفرس را عبدس نیز نوشته‌اند: ابن عبدالبر، الاستیعاب فی اسماء الاصحاب، 3. (بیروت، دارالکتب العربی، بیتا) ج

ابن منده نسب او را چنین آورده است عمیس بن معتمر بن تیم بن مالک بن قحافه بن تمام 4. بن ربیعہ بن خثعم بن أنمار بن معد بن عدنان.

ر.ک: ابن سعد، الطبقات الكبرى، (بیروت، دارصادر، بیتا) ج 8، ص 280؛ 5. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، به کوشش احمد صفر، (بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1408ق)، ص 35؛ ابن عبدالبر، پیشین؛ ابن اثیر، اسد الغابة في معرفة الصحابة، (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415) ج 7، ص 12؛ محمد سعید مبیض، موسوعة حياة الصحابیات (سوریه، مکتبه الغزالي، بیتا) ج 2، ص 658. ابن سعد، پیشین، ص 280. 6.

ابن عبدالبر، پیشین، ج 4، ص 232. 7.

بلاذري، انساب الاشراف، (مصر، دارالمعارف، بیتا) ج 2، ص 44. 8.

ابن عبدالبر، پیشین، ج 4، ص 232، مبیض، پیشین، ص 38. 9.

بلاذري، پیشین، ج 2، ص 44. به قولی دیگر رسول خدا(ص) گفت: خداوند 10. خواهرانی از اهل بهشت؛ اسماء بنت عمیس، سلمی، ام الفضل لبابة و ام المومنین میمونه را رحمت کند (شیخ صدوق، الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، (قم، جامعه مدرسین، 1403ق) ص 363؛ شیخ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال في احوال الرجال (نجف، مطبعة المرتضوي، 1350ق) ج 3، ص 69.

سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

ر.ک: مسعودي، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (تهران، علمی و فرهنگی، 11. بی-تا)، ج 1، ص 657؛ ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص 35؛ ابن اثیر، اسد الغابة، پیشین، ج 7، ص 13. 12. ابن عبدالبر، پیشین، ج 4، ص 232؛ ابن اثیر، اسد الغابة، پیشین، ج 7، ص 13؛ ابن- حجر العسقلانی، الاصابة في تمييز الصحابة، (بیروت، دارالکتب العربی، بیتا) ج 4، ص 232؛ مامقانی، پیشین، ج 3، ص 69.

همان . 13.

پیامبر «ص» مدتی پس از علنی شدن دعوتش در خانه ارقم استقرار یافت و مردم . 14
برای شنیدن آیات نازل شده یا بیعت کردن با او به آنجا
میرفتند.

ابن سعد، پیشین، ج 8، ص 280؛ ابن اثیر، اسدالغابة، پیشین، ج 7، ص 13؛ . 15
ابن حجر العسقلانی، پیشین،
ج 4، ص 225.

ابوعبدالله المصعب بن عبدالله الزبیری، نسب قریش، (بیجا، الطباعة و النشر، بیتا) . 16
ص. 81 . 17 . ابوعبدالله محمد بن عبدالله نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین،
(بیروت، دارالکتب العلمیه، 1411ق) ج 4، ص 225؛ علی بن عیسی اربلی، کشف
الغمه، به کوشش سید ابراهیم

میانجی، (قم، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیة، 1364ش) ج 1، ص 492 . 18
ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء (بیروت، دارالکتب العلمیه، بیتا) ج 2، ص 74. نیز ر.ک:
محمد بن یوسف گنجی الشافعی، کفایة الطالب، به کوشش محمد هادی الامینی، (تهران.
داراحیاء التراث اهل البيت، 1362) ص 306؛ ابن فندق، لباب الانساب، به کوشش مهدی
رجایی، (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1409) ج 1، ص 261.

گنجی، پیشین، ص 307 - 308 . 19

ر.ک: اربلی، پیشین، ج 2، ص 19 . 20

شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، چاپ اول، (تهران، نشر . 21

صدوق، 1373). 22 .

اربلی، پیشین، ج 2، ص

95

همان، ج 1، ص 502 . 23

ابن هشام، السیرة النبویه، (بیروت، دارالعلم) ج 4، ص 3؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، . 24
ترجمه

دکتر محمد آيتي (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، 1343ش) ج 1، ص 415؛ گنجي،

پيشين،

ص

308.

ابو نعيم اصفهاني، پيشين، ج 2، ص 74؛ ابن جوزي، **صفة الصفوة** (بيروت، . 25
دارالكتب العلميه، 1049ق)

ج 2، ص 44.

ر.ك: ابن سعد، پيشين، ج 8، ص 281؛ ابونعيم اصفهاني، پيشين، ج 2، ص 26 .

74؛ ابن جوزي، پيشين، ج 2، ص 44؛ ابن اثير، **اسدالغابة**،

پيشين، ج 7، ص 13.

جعفر بن ابي طالب نخستين فرزند ابوطالب بود كه در اسلام به شهادت رسيد. او در . 27
هنگام شهادت 34 ساله بوده است: ابوالفرج اصفهاني،

پيشين، ص 35.

ر.ك: ابن سعد ، پيشين، ج 8، ص 282؛ بلاذري، پيشين، ج 2، ص 43؛ ابن اثير، . 28

اسدالغابة، پيشين، ج 1، ص 544؛ ابن اثير، **الكامل**، (بيروت، دارصادر و داربيروت،

1385ق) ج 2، ص 238 . 29 . گنجي، پيشين، ص 307.

الزبير، پيشين، ص 81؛ ابن سعد، پيشين، ج 8، ص 281؛ ابن عبدالبر، . 30

پيشين

، ج 4،

ص 2.

32

ابن فندق، پيشين، ج 1، ص 361 . 31

نجم الدين العمري، **المجدي في انساب الطالبين**، به كوشش محمد مهدي دامغاني، . 32

(قم. كتابخانه عمومي آيت الله مرعشي نجفي،

1409ق) ص 297.

الزبير، پيشين، ص 81؛ ابن سعد، پيشين، ج 8، ص 281 . 33

ابن عبدالبر، پيشين، ج 2، ص 267؛ ابن اثير، **اسد الغابة**، پيشين، ج 34 .

1، ص 199 . 35 ابن حجر العسقلاني،

پيشين، ج 4، ص 280.

الزبير، پيشين، ص 82؛ البخاري، **التاريخ الكبير**، (بيروت، دارالكتب العلميه، . 36

بيتا)

بلاذري، **پيشين**، ج 2، ص 67؛ ابن حجر العسقلاني، **پيشين**، ج 37.

2، ص 280. 38. **همان**؛ ابن اثير، **اسدالغابة**، **پيشين**، ج 1

ص 199 3 و ج ، ص 199.

ابن سعد، **پيشين**، ج 3، ص 37؛ ابن حجر السعقلاني، **پيشين**، ج 2، ص 281. 39.

سالم
سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

الزبيري، **پيشين**، ص 82. 40.

ابن حجر العسقلاني، **پيشين**، ج 2، ص 281. 41.

ر.ك: طبري، **تاريخ طبري**، (بيروت، دارالكتب العلمية. 1411ق)، ج 7، ص 42.

1073؛ شيخ مفيد، **الاختصاص**، به كوشش علي اكبر غفاري، (تهران، موسسه النشر

الاسلامي، بيتا) ص 179. 43. ابن اعثم كوفي، **الفتوح**، ترجمة محمد بن احمد مستوفي

هروي، به كوشش غلامرضا طباطبائي (بيجا، شركت، افست، 1372) ص 534.

ابن مسكويه، **تجارب الامم**، ترجمه ابوالقاسم امامي، (تهران، سروش، 1369ش) ج 44.

1، ص 540؛ ابن شهر آشوب. **مناقب آل ابي طالب**، بمبئي، چاپ سنگي، 1313) ج 3،

ص 162. 45. ر.ك: ابن عبدالبر، **پيشين**، ج 2، ص 268؛ ابن اثير، **اسدالغابة**، **پيشين**،

ج 3، ص 201؛ ابن حجر العسقلاني، **پيشين**، ج 2، ص 281.

بلاذري، **پيشين**، ج 2، ص 46. 46.

همان، ص 61؛ يعقوبي، **پيشين**، ج 2، ص 229؛ مسعودي، **پيشين**، ج 1، ص 47.

170؛ ابن عبدالبر، **پيشين**، ج 2، ص 267؛ فخر رازي، **الشجرة المباركة**، به كوشش

سيد مهدي رجايي، (قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، 1409ق) ص 203؛ ابن اثير،

اسدالغابة، **پيشين**. ص 201؛ ابن عنبه، **عمدة الطالب في انساب ابي طالب**، (بيروت،

دارالمكتبة الحياة بيتا) ص 56؛ ابن حجر العسقلاني، **پيشين**، ج 2، ص 281.

ر.ك: ابن اثير، **اسدالغابة**، **پيشين**، ج 4، ص 302؛ ابن حجر العسقلاني، 48.

پيشين، ج 3، ص 44؛ مامقاني،

پیشین، ج 2، ص 355.

بلاذري، پیشین، ج 2، ص 190؛ ابن اثیر، پیشین، ج 7، ص 378؛ ابن . 49

شهر آشوب،

پیشین، ج

3، ص 162.

شیخ طوسي، ابوجعفر محمد بن حسن، به کوشش محمد صادق آلبحرالعلوم؛ چاپ اول . 50

(نجف، منشورات مکتبه و مطبعة حيدرية ، 1381ق) ص 50؛ مامقاني، پیشین، ج 2،

ص 355؛ ابوالقاسم موسوي خويي، معجم رجال الحديث، (قم، منشورات مدينة العلم آيت

الله خويي، بيتا) ج 13، ص 169.

أسماء بنت عميس

ابن قتيبه، المعارف، (قاهره. دارالمعارف، بيتا) ص 206؛ ابن عبدالبر، پیشین، . 51

ج 3، ص 161؛ ابن اثیر، اسدالغابه، پیشین، ج 4، ص 302؛ ابن حجر العسقلاني،

پیشین، ج 3، ص 44؛ تُستر، معرب شوشتر، شهري است در خوزستان: ياقوت

حموي، معجم البلدان، (بيروت، دارصادق – دار بيروت، 1376ق)، ج 2، ص 29.

بلاذري، پیشین، ج 2، ص 45 . 52

مسعودي، پیشین، ج 1، ص 656؛ العمري، پیشین، ص 296؛ ابن عنبه، پیشین، . 53

ص 54؛ مامقاني، پیشین،

ج 2، ص 355.

ابن عبدالبر، پیشین، ج 3، ص 327؛ ابن اثیر، اسدالغابه، پیشین، ج 5، ص 79 . 54

55 . ابن سعد، پیشین، ج 3، ص 37؛ ابن عبدالبر، پیشین، ج 3، ص 327؛ ابن اثیر،

اسدالغابه، پیشین، ج 5، ص 79.

شیخ طوسي، پیشین، ص 58؛ مامقاني، پیشین، ج 2، ص 92 . 56

ابن اسحاق، پیشین، ص 250؛ بلاذري، پیشین، ج 2، ص 190؛ ابن سعد، . 57

پیشین، ج 8، ص 463؛ شمس الدين ذهبي، سير اعلام النبلاء، (بيروت، مؤسسة

الرساله، 1410ق) ج، 3 ص 502؛ ابن حجر العسقلاني، **پیشین**، ج، 2 ص. 469

سوره توبه، 41 . 58

از ابومخنف نقل شده که حضرت علي(ع) هاشم بن عقبه بن ابي وقاص را از ربه . 59
به طرف ابوموسي اشعري که در آن زمان امير کوفه بود، فرستاد (ابن ابي الحديد)؛
همچنين يعقوبي ذکر کرده است که او فرزند خود حسن(ع) و عمار ياسر را به کوفه
(فرستاد (يعقوبي، **پیشین**، ج، 2 ص 79

ر.ك: طبري **پیشین**، ج، 3 ص 23؛ ابن ابي الحديد شرح نهج البلاغه (بيروت، . 60
داراحياء التراث العربي،

1385ق) ج، 14 ص 8

ابوالفرج اصفهاني، **پیشین**، ص، 37 ابن حجر العسقلاني، **پیشین**، ج، 3 . 61
ص 352؛ محمدهادي، اصحاب الامام اميرالمومنين(ع)، (بيروت، دارالغدير
للمطبوعات و دارالكتاب الاسلاميه، 1412ق) اميني، **پیشین**، ج، 2 ص. 516

سال هفتم، پاییز، 1385 شماره مسلسل 27

ر.ك: ابن قتيبه، **پیشین**، ص 206؛ ابن عبدالبر؛ **پیشین**، ج 3؛ ص 327؛ ابن اثير، . 62
اسدالغابه، **پیشین**، ج، 5 ص 79؛ ابن أثير، الكامل، **پیشین**، ج، 3 ص 223؛ ابن حجر
العسقلاني، **پیشین**، ج. 3 ص. 352

ر.ك: بلاذري، **پیشین**، ج، 2 ص 54؛ مامقاني، **پیشین**، ج، 1 ص. 132 . 63
ابن اسحاق، **پیشین**، ص 250؛ بلاذري، **پیشین**، ج، 2 ص 190؛ ابن سعد، . 64
پیشین، ج، 8 ص 463؛ ابن حجر العسقلاني،
پیشین، ج، 41 ص. 469

طبري، **پیشین**، ج، 2 ص. 503 . 65

ر.ك: همان، ج، 3 ص 23؛ ابوالفرج اصفهاني، **پیشین**، ص 37؛ ابن أثير، الكامل، . 66
پیشین، ج، 3 ص 223؛ ابن ابي الحديد، **پیشین**، ج، 14 ص 8؛ ابن حجر العسقلاني،
پیشین، ج، 3 ص. 352 67 . طبري، **پیشین**، ج، 3 ص. 23

ابن سعد، **پیشین**، ج، 8 ص 282؛ ابوالفرج اصفهاني، **پیشین**، ص 35؛ ابو نعيم . 68
اصفهاني، **پیشین**،

ج 2، ص 74.

ابن حجر العسقلاني، **پیشین**، ج 4، ص 225. 69

يعقوبي، **پیشین**، ج 2، ص 1. 70

برخي نیز گفته‌اند أسماء بنت عمیس، نخستین تابوت را در اسلام برای زینب بنت- . 71
ججش ساخت

ربك: ابن عبدالبر، **پیشین**، ج 4، ص 364؛ نیشابوري، **پیشین**، ج 3، ص 177؛ 72

ابن اثیر، **اسدالغابة**، ج 7، ص 221؛ اربلي، **پیشین**، ج 2، ص 67؛ ابن فندق، **پیشین**،

ج 1، ص 362. 73. ابن عبدالبر، **پیشین**، ج 4، ص 367؛ نیشابوري، **پیشین**، ج 3، ص
179.

ابن عبدالبر، **پیشین**، ج 4، ص 367؛ ابن اثیر، **اسدالغابة**، **پیشین**، ج 7، ص 22؛ 74

اربلي، **پیشین**، ج

2، ص 67.

يعقوبي، **پیشین**، ج 2، ص 18. 75

همان؛ ابن سعد، **پیشین**، ج 8، ص 284؛ ابن عبدربه، **عقد الفريد**، (بيروت، 76

دارالكتب العلميه، 1404ق)

ج 5، ص 17.

أسماء بنت عمیس

ابن سعد، **پیشین**، ج 8، ص 282، گنجي، **پیشین**، ص 307. 77

ابن ابي الحديد، **پیشین**، ج 6، ص 53. 78

الثقفي الكوفي، **الغارات**، به كوشش و تعليقات سيد جلال الدين حسين ارموي، 79

(انتشارات انجمن آثار ملي، بيتا) ج 1، ص

212.

يعقوبي، **پیشین**، ج 2، ص 999 مسعودي، **پیشین**، 768. 80

الثقفي الكوفي، **پیشین**، ج 1، ص 287؛ ابن ابي الحديد، **پیشین**، ج 5، ص 88؛ 81

ابن حجر العسقلاني، پیشین،

ج 4، ص 226.

يعقوبي، پیشین، ج 2، ص 100. 82

بلاذري، پیشین، ج 1، ص 447؛ ابن سعد، پیشین، ج 8، ص 285؛ ابوالفرج . 83
اصفہانی،

پیشین، ص

35.

امینی، پیشین، ج 2، ص 659. 84

ابن قتیبہ، پیشین، ص 210؛ مسعودی، پیشین، ج 2، ص 68؛ اصفہانی، پیشین، . 85

ص 35؛ شیخ مفید، الاختصاص، (تهران، موسسه النشر الاسلامي، بیتا) ج 2، ص 129

(د: 413هـ). 86. ابن سعد، پیشین، ج 3، ص 20؛ بلاذري، پیشین، ج 1، ص 447؛

ابن ابی الحديد، پیشین، ج 9، ص 243؛ اربلي، پیشین، ج 1، ص 591.

يعقوبي، پیشین، ج 2، ص 139. 87

ر.ك: طبري، پیشین، ج 3، ص 162؛ ابن اثير، الكامل، پیشین، ج . 88

3، ص 397. 89

الزبيری، پیشین، ص

44.

ابن سعد. پیشین، ج 8، ص 280؛ ابن اثير، اسدالغابه، ج 7، ص 13. 90

الزبيری، پیشین، ص 81. 91

همان 92.

ر.ك: ابونعيم اصفهاني، پیشین، ج 2، ص 74؛ گنجي، پیشین، ص 306. 93

ر.ك: ابن سعد، پیشین، ج 8، ص 281؛ ابونعيم اصفهاني، پیشین، ج 2، ص 94

74؛ ابن جوزي، پیشین،

ج 2، ص 44.

7، ص 13. 96. ابن اثير، الكامل،
 پیشین، ج 2، ص 291.
 ابن سعد، پیشین، ج 2، ص 272. 97.
 ابن عبدالبر، پیشین، ج 4، ص 367؛ نیشابوری، پیشین، ج 4، ص 367؛ ابن اثیر، 98.
 اسدالغابه، ج 7، ص 222 اربلي،
 پیشین، ج 2، ص 67.
 ابن عبدالبر، پیشین، ج 4، ص 367؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج 7، ص 22. 99.
 ابن سعد، پیشین، ج 8، ص 283. 100.
 طبري، پیشین، ج 2، ص 353. 101.
 ر.ك: ابن سعد، پیشین، ج 8، ص 284؛ یعقوبي، پیشین، ج 2، ص 102.
 103 41. ابن عبدالبر، پیشین، ج 4، ص 232؛ ابن اثیر، اسدالغابه،
 پیشین، ج 7، ص 13. 104. ابن ابی الحديد، پیشین، ج 12، ص 184.

منابع

- ابن ابی الحديد، ابوحامد بن هبة الله بن محمد؛ شرح نهج البلاغه؛ به كوشش محمد -
 ابوالفضل ابراهيم، چاپ دوم (داراحياء التراث العربي،
 1385ق.)
 _____، جلوه تاريخ در شرح نهج البلاغه؛ ترجم محمود مهدوي -
 دامغانی؛ چاپ اول (تهران، نشرني،
 1368ش.)
 ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین علي بن محمد، اسدالغابه في معرفة الصحابه، به كوشش -
 علي محمد معوض و معاد احمد عبدالموجود، چاپ اول (بيروت، دارالكتب العلميه،
 1415ق.) - _____، الكامل في التاريخ، (بيروت، دارصادر، و
 1385ق.)
 ابن اعثم كوفي، محمد بن علي، الفتوح، به كوشش سهيل زكار، چاپ اول (بيروت، -
 دارالكتب العلميه،
 1406ق.)
 _____، الفتوح؛ ترجمه محمد بن احمد مستوفي هروي، به كوشش -

- (. غلامرضا طباطبائي ، چاپ اول (بيجا، شرکت افست، 1372
- ابن بابويه، ابو جعفر محمد بن الحسين (شيخ صدوق)، **الخصال**، به كوشش علي اكبر غفاري (قم، جامعه مدرسين في الحوزة العلمية، 1403ق
- _____، **عيون اخبار الرضا**، چاپ اول، (تهران، نشر صدوق، 1373 -
- (. - ابن جوزي، ابو الفرج عبدالرحمن، **صفة الصفوة**، به كوشش ابراهيم رمضان وسعيد اللحام، چاپ اول (بيروت، دار الكتب العلمية، 1409ق
- ابن حجر العسقلاني، احمد بن علي بن محمد، **الاصابة في تمييز الصحابة** (بيروت، - دار الكتاب العربي، بيتا
- .)
- ابن سعد، محمد بن منيع البصري، **الطبقات الكبرى**، (بيروت، دار صادر، بيتا .) - ابن - شهر آشوب، محمد بن علي، **مناقب آل ابي طالب** (بمبئي، چاپ سنگي، 1313 .) - ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد، **الاستيعاب في اسماء الاصحاب**، (بيروت، .) دار الكتاب العربي، بيتا
- ابن عبدربه، محمد بن محمد، **عقد الفريد**، به كوشش عبدالمجيد الترجمني، چاپ اول - (بيروت، دار الكتب العلمية،
- (. 1404ق
- ابن عنبه، جمال الدين احمد بن علي الحسيني، **عمدة الطالب في انساب آل ابي طالب**، - (بيروت، دار المكتبة الحياة،
- .)بيتا
- ابن فندق، ابو الحسن علي بن ابي القاسم بن زيد البيهقي، **لباب الانساب**، به كوشش مهدي بيرجا چاپ اول، (قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي،
- (. 1409ق
- ابن قتيبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، **المعارف**، به كوشش ثروت عكاشه، چاپ دوم - (قاهره،
- دار المعارف

.)

ابن مسكويه، تجارب الامم، ترجمة ابوالقاسم امامي، چاپ اول (تهران، انتشارات -

سروش،

1369ش

.)

ابن هشام، ابومحمد عبدالملك، السيرة النبوية، به كوشش مصطفى السقا وديگران (. -

بيروت،

دارالقلم، بيتا

.)

سالم هفتم، پاييز 1385 شماره مسلسل 27

اصفهانى، ابوالفرج علي بن حسين، مقاتل الطالبين، به كوشش سيد احمد صفر، چاپ -

دوم (بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات،

.) 1408ق

.) اصفهانى، ابونعيم، حلية الاولياء، بيروت، دارالكتب العلميه، بيتا -

اربلى، علي بن عيسى بن ابي النفع، كشف الغمه، به كوشش سيد ابراهيم ميانجي، چاپ -

دوم (نشر ادب الحوزه وكتابفروشي اسلاميه،

.) 1364

اميني، محمد هادي، اصحاب الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، چاپ اول، (بيروت، -

دارالغدير للمطبوعات ودارالكتاب الاسلامي،

.) 1412ق

البخاري، ابو عبدالله اسماعيل بن ابراهيم الجعفي، التاريخ الكبير، (بيروت، دارالكتب -

العلمي

ه، بيتا

.)

بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، به كوشش محمد حميدالله (مصر، -

دارالم

عار

ف،

(. بيتا

الثقفي الكوفي، ابواسحاق ابراهيم بن محمد، الغارات؛ به كوشش وتعليقات سيد جلال -
الدين حسيني ارموي (انتشارات انجمن آثار ملي، بيتا
(.)

خوانساري، محمد باقر، روضات الجنات في احوال العلماء والسادات، ترجمه -
محمدباقر ساعدي خراساني (كتابخه روشي اسلاميه،
(. 2536)

خويي، ابوالقاسم موسوي، معجم رجال الحديث، (قم، منشورات مدينه العلم آيت الله -
العظمي خويي (افست، بيروت،
(. دار الزهراء

ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، تحقيق زين نظر شعيب الأرنؤوط، -
چاپ هفتم، (بيروت، موسسه الرساله،
(. 1410 ق

الزبيري، ابو عبدالله المصعب بن عبدالله، نسب قريش، (بيجاء، دار المعارف للطباعة -
والنشر
ر، بيتا
(.)

طبري، ابو جعفر محمد بن جرير طبري، تاريخ طبري (تاريخ الامم والملوك) چاپ سوم -
(بيروت، دار الكتب العلميه،
(. 1411 ق

العمرى، نجم الدين ابي الحسن علي بن محمد، المجدي في انساب الطالبين، به كوشش -

أسماء بنت عميس

محمد مهدي دامغاني، چاپ اول (قم، كتابخانه عمومي آيت الله مرعشي نجفي، 1409 ق .)

- فخر رازي، ابو عبدالله محمد بن عمر، **الشجرة المباركة**، به كوشش سيد مهدي رجائي،
(. چاپ اول (قم، كتابخانه عمومي مرعشي نجفي، 1409ق
- گنجي الشافعي، محمد بن يوسف، **كفاية الطالب**، به كوشش محمد هادي الاميني، چاپ -
سوم (تهران، دار احياء التراث أهل البيت(ع)،
(. 1362
- مامقاني، شيخ عبدالله، **تنقيح المقال في احوال الرجال**، (نجف، مطبعة المرتضوي، -
1350ق .) - مبيض، محمد سعيد، **موسوعة حياة الصحابييات** (سوريه، مكتبة
الغزالي، بيتا .) - مدرس تبريزي، محمد علي، **ريحانة الادب**، (تبريز، چاپخانه شفق،
(. بيتا
- مسعودي، ابوالحسن علي بن حسين، **مروج الذهب**، ترجمه ابوالقاسم پاينده، چاپ پنجم -
(تهران، انتشارات علمي وفرهنگي،
(. بيتا
- مفيد، محمد بن محمد بن النعمان، **الاختصاص**، به كوشش علي اكبر غفاري (تهران، -
موسسه
النشر الاسلامي، بيتا
(.
- نيشابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، **المستدرک علي الصحيحين**، به كوشش -
مصطفي عبدالقادر، چاپ اول (بيروت، دار الكتب
(. العلمي، 1411ق
- ياقوت حموي، ابو عبدالله بن عبدالله، **معجم البلدان**، (بيروت، دارصادق - -
داربيروت
(. 1376ق
- يعقوبي، احمد بن ابي يعقوب، **تاريخ يعقوبي**، ترجمة دكتور محمد آيتي (تهران، بنگاه -
ترجمه و
نشر کتاب،
(. 1343